

سند چشم انداز یک انشای مدرسه‌ای نیست

سخنان رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با دانشجویان و
نخبگان سراسر کشور ۱۳۸۴/۷/۳

در یک گفتگوی طولانی که بیش از ۸۵ درصد آن اختصاص به نخبگان ملاقات کننده با مقام معظم رهبری داشت، حرفهای زیادی مطرح شد. در این دیدار با وجود فرصت زیاد، تعداد معدودی توانستند به نمایندگی از جمع نخبگان کشور سخن گویند، به طرح مشکلات بپردازند و راه حل‌هایی ارائه نمایند که در این جا به ذکر اسامی آنان بسنده می‌کنیم: محمدامین صادقی (برق شریف)، مریم السادات میرکمالی (برق شریف)، دکتر رضاراستامنش (دانشگاه شهیدبهشتی)، زینب پیمانی (علوم پزشکی شیراز)، دکتر ابراهیم احمدی (شیمی دانشگاه زنجان)، سجاد افشار (حقوق تهران)، دکتر ملیحه عرب (علوم پزشکی همدان)، سیده مهرآسا علیزاده (زبان علامه طباطبایی)، وحیدکشاورز زاده (عمران شریف)، دکتر اشکان مولا (علوم پزشکی شیراز)، درنا متولی (علوم پزشکی شیراز)، دکتر حمیدرضا فتاحیان (دندانپزشکی تهران)، لیلا عبدالله زاده (پیام نور خرمشهر)، سیده سارا میرفضلی (داروسازی علوم پزشکی شهید بهشتی)، محمدحسین شریفی نیا (روانشناسی تربیت مدرس) و حامد صادق پور (برگزیده خوارزمی).



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جلسه تمام است و کامل هم هست؛ اصلاً جلسه برای همین بود که شماها این جا بیاید و شما بگویید. البته من هم حرفهای زیادی دارم؛ هم خطاب به شما که نخبگان ما هستید، هم خطاب به همه اهل علم - دانشجو، استاد، دانشگاهی و حوزه‌ای - و هم خطاب به همه جوانهای کشور؛ منتها چون وقت نیست، من عجله‌ای ندارم که آنچه را که در ذهنم هست، حتماً در این جلسه بگویم. بعداً وقت خواهد بود و ما ان شاء الله جلسات دیگری با جوانان و دانشجویان و نخبگان دیگری خواهیم داشت و من آن جا هر چه لازم بدانم، عرض خواهم کرد؛ لیکن چند جمله کوتاه را بگویم.

● ما می توانیم

اولاً علت این که ما هر سال چنین جلسه‌ای را تشکیل می‌دهیم، این است که این جلسه نماد «ما می توانیم» است. توجه داشته باشید که ده‌ها سال در این کشور، حساب شده و به نشان، کار کردند برای این که ثابت کنند ایرانی نمی‌تواند. ما می‌خواهیم نشان دهیم که ایرانی می‌تواند. انقلاب یکی از بزرگترین همت‌هایش به این گماشته شده بود که هم به دنیا بگوید، هم به خود ملت ایران بگوید که ما می‌توانیم. و من به شما بگویم؛ انقلاب در این زمینه موفق شده است. خود باوری در کشور ما بیدار شده است.

مواردی را که بعضی از شما عزیزان از پیشرفت‌های علمی ما گفتید، بخش کوچکی از پیشرفت‌های علمی و تحقیقاتی و فناوری ما در کشور است؛ چیزهای بیشتری با دامنه‌های گسترده‌تر به تدریج بروز خواهد کرد و الان در جریان است و وجود دارد. این جلسه نماد «ما می‌توانیم» است.

نخبگان کشور فقط شماها نیستید؛ اما شما گلچینی از این دسته با ارزش کشور ما و جوانهای ما هستید. این به همه نشان می‌دهد که در میان جوانان ما افرادی هستند که می‌توانند در مسابقات جهانی و در عرصه‌های وسیع مسابقاتی در داخل کشور رتبه‌های برجسته‌ای را بیاورند و اینها استعداد‌های درخشان هستند و از این استعداد‌های درخشان ما در کشور زیاد داریم و با تکیه به اینها، ملت ایران و کشور عزیز ما خودش را خواهد ساخت و پیش خواهد برد و دره ژرفی را که بین ما و قله علم در دنیا به وجود آوردند، به تدریج پر خواهد کرد.

● فاصله گرفتن از کار نمایشی

نکته دوم این است که من با کار نمایشی و - به قول شماها - ویتروینی به هیچ وجه موافق نیستم. البته نمایش شانی دارد؛ ویتروینی جایی دارد؛ نمی‌شود اهمیت و ارزش نمایش و ویتروینی و نمایشگاه را انکار

کرد؛ اما منحصر شدن در این، خسران دنیا و آخرت را در پی خواهد داشت.

ما دنبال کاریم. حرفهایی که شما امروز بر زبان آوردید - مسئله اهمیت دادن به علم، اهمیت دادن به تحقیق، اهمیت دادن به فناوری، پرداختن به نخبگان؛ این که وقتی یک نخبه را دلگرم کردیم، هر جای دنیا هم برود، متعلق به کشور خواهد بود، و مطالب فراوانی که شما گفتید و من خلاصه‌ای از آن را یادداشت کردم - حرفهای من است؛ اینها حرفهایی است که از ده سال پیش، دوازده سال پیش من دارم می‌گویم. من امروز نگاه می‌کنم، می‌بینم شما بدون این که بدانید یا یادتان باشد که این حرفها یک روز از سوی مسؤولان نظام گفته شده، خودتان دارید این حرفها را می‌زنید و حرف دل شماست؛ این پیشرفت است؛ این همان چیزی است که ما می‌خواستیم و به کوری چشم دشمنان که نمی‌خواستند، شده است.

امروز جوانهای ما میل به تحقیق دارند. گله شما به عنوان یک جوان این است که این جا می‌آید و می‌گوید بودجه تحقیقاتی ما هفت صدم درصد است - که البته ظاهراً بیشتر است؛ آماري که برادرمان گفتند، این قدر نیست؛ حدود همان ۱/۵ درصدی است که گفتند؛ البته الان دقیق یادم نیست، اما از آن مقداری که گفته شده، بیشتر است؛ هر چند اینها باید عملیاتی و داده شود - یا شما بیاید پیش من شکوه کنید از این که بودجه تحقیقات را نمی‌دهند یا پای صبر تحقیقات نمی‌نشینند. نهایت آرزوی ما این بوده که این احساس در شما به وجود بیاید و شما دنبالش باشید.

البته ما وظیفه داریم قدم بعدی را برداریم. قدم بعدی این است که این کارها یکایک عملیاتی و اجرایی شود. این، قدم بعدی «زمانی» نیست؛ قدم بعدی رتبی است؛ یعنی بعد از آن که این فکر مطرح می‌شود، بلافاصله باید اجرایی هم بشود.

البته من اینها را یادداشت کردم و از دفتر و دوستانی که این جا حضور دارند، می‌خواهم آنچه را که شماها گفتید، استحصال و فهرست کنند. آقای وزیر علوم و بعضی از مسؤولان دیگر هم این جا هستند؛ به اطلاع دیگران هم که دست‌اندر کار و مسؤول هستند، خواهد رسید و ان شاء الله اینها دنبال خواهد شد.

● بنیاد نخبگان

نکته سوم در مورد بنیاد نخبگان است که من سال گذشته در همین جلسه آن را مطرح کردم؛ این که ما بنیادی برای بررسی و حل مشکلاتی که شما گفتید، به وجود بیاوریم. اساسنامه بنیاد تصویب شد و آن را پیش ما آوردند. البته به نظر ما اساسنامه نواقصی دارد که حتماً باید برطرف شود و ان شاء الله برطرف خواهد شد. اهمیاتی که خوشبختانه من می‌بینم امروز مسؤولان دولتی، از شخص رئیس جمهور گرفته تا دیگران، به عملیاتی کردن و اجرایی کردن طرحها و برنامه‌ها دارند، این امید را در من به وجود

می‌آورد که ان شاء الله همه دغدغه‌هایی که در زمینه پیگیری کار نخبگان در ذهن ما هست، از بین برود. البته این کار، تدریجی خواهد بود. همان‌طور که شما می‌گویید یک کار تحقیقاتی چهارساله اگر چهار سال و نیمه شد، نباید بگویند چرا! این‌گونه کارها هم کارهایی است که با مانع و مشکلات گوناگونی مواجه است. آنچه ما وظیفه داریم، این است که این را دنبال کنیم؛ رها نکنیم تا ان شاء الله تحقق پیدا کند. ممکن است قدری دیر یا زود بشود، لیکن خواهد شد. این، نیت مسؤولان کشور است. این، همت ملی است که امروز در کشور ما وجود دارد.

● سند چشم‌انداز

من مکرر گفتم، الان هم دارم به شما جوانهای عزیز می‌گویم؛ «سند چشم‌انداز» یک انشای مدرسه‌ای نبوده که کسی بنشیند بنویسد؛ یک آرزوی محض و آرزوی خام هم نبوده؛ اینها چیزهایی است که با ملاحظه و محاسبه همه جهات روی کاغذ آمده و معنایش این است که این شدنی است. این که ما گفتیم در ظرف بیست سال باید رتبه بالا را در منطقه، در علم و در اقتصاد داشته باشیم، با محاسبه همه جوانب قضیه نوشته و تنظیم شده؛ و این شدنی است.

البته همه کارهای شدنی، رفتن، دنبال کردن، همت گماشتن و انجام دادن می‌خواهد. شکی نیست که اگر بنشینیم تماشا کنیم، هیچ کاری نخواهد شد. با دنبال‌گیری، کار شدنی است. ان شاء الله پیگیری خواهیم کرد و به توفیق الهی و به حول و قوه الهی خواهد شد. البته ما آن روزها را علی‌القاعده نمی‌بینیم، اما شماها می‌بینید؛ مال شماهاست، آینده شماست.

من در یکی از جلسات دانشجویها گفتم شما فکر این را بکنید که پنجاه سال دیگر کشور شما باید جایی باشد که هرکس به یک پیشرفت علمی احتیاج دارد، ناگزیر باشد زبان فارسی یاد بگیرد؛ یعنی کشور شما آن‌قدر اثر علمی و تحقیقاتی تولید کند که همین‌طور که امروز زبان انگلیسی عمدتاً به برکت پیشرفت فناوری آمریکا و بعضی از کشورهای دیگر در دنیا رایج شده، شما بتوانید زبان فارسی را به تبع رشد علمی‌تان در دنیا رایج کنید. شما باید بتوانید در قله قرار بگیرید؛ این شدنی است و اگر همت بگماریم، قطعی است.

● ایمان و عمل صالح، پشتوانه پیشرفت

البته عزیزان من! پسرهای جوان! دخترهای جوان! بدانید «ایمان» همراه با «عمل صالح» مهمترین پشتوانه برای پیشرفت در این میدان است. ایمان پاک، روشن، شفاف، مستدل و منطقی - که مواد آن خوشبختانه در معارف اسلامی فراوان است - همراه با عمل می‌تواند به شما کمک کند. صرف ایمان کار

را پیش نمی‌برد. ایمانی که به دنبال خودش «عمل» داشته باشد، پایبندی داشته باشد، تقید داشته باشد، لابلایگری و ولنگاری از آن دور باشد، می‌تواند هم به دنیای شما کمک کند، هم به آینده‌کشورتان کمک کند. به این پردازید؛ کما این که من در اظهارات شماها هم دیدم.

جلسه بسیار خوبی بود. این دوساعتی که شما برای ما صحبت کردید، برای من مغتنم بود و من خوشحالم که حرفهای شما را شنیدم. البته حرف زدن شما فواید دیگری هم دارد؛ فقط این نمادی که من گفتم، نیست. این هم که جوان ایرانی این همت را بکند که بیاید در یک تریبون ملی - این جا تریبون ملی است؛ هرچه شما می‌گویید، همه ملت ایران آن را می‌شنوند - یافته‌های خودش را بیان کند و این اعتماد به نفس را داشته باشد، یکی از سرمایه‌های بزرگی است که برای کشورمان لازم داریم. من از این اعتماد به نفس‌ها خیلی خوشم می‌آید.

دوستان گفتند که این حرفها نباید این جا گفته می‌شد؛ نه، هیچ اشکالی ندارد. عمده این است که شما بیاید این جا بایستید و آنچه را که به نظرتان می‌رسد، بگویید؛ این برای من مهم است. ممکن است حرفی که شما می‌زنید خیلی پخته هم نباشد؛ پیشنهادی که شما می‌کنید، خیلی هم نو نباشد؛ ایرادی ندارد. آنچه برای ما مهم است، این است که شما با اعتماد به نفس بیاید این جا بایستید - دخترتان، پسران - و حرفتان را با قدرت و با اتکاء به نفس بزنید و این حرف در سطح کشور پخش شود؛ این برای ما ارزش دارد. ان شاء الله موفق باشید.

